

اصول کلی سیاست خارجی ایران

از دیدگاه

حزب پان ایرانیست

انتشارات حزب پان ایرانیست

تیرماه ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

متن حاضر ، چکیده ای از نظرات حزب پان ایرانیست ، پیرامون خطوط اساسی سیاست خارجی ایران میباشد که در تاریخ ششم تیر ماه ۱۳۵۸ ، از سوی رهبر حزب پان ایرانیست ، بعنوان وزارت امور خارجه ایران ارسال گردید .

پیش از طرح اهم مسائلی که از هدفهای قاطع و اجتناب ناپذیر اتخاذ روشهای سیاست خارجی هر حکومت ملی وابسته به ملت بزرگ ایران تواند بود ، بیان چند اصل و یا توافق بر وجود و حکومت چند اصل بر موجودیت و زندگی هر جامعه ملی ، از جمله ملت ایران و بویژه اصولی که اختصاصا مربوط به ملت ایران و میهن ایرانیان در این منطقه خاص از جهان میباشد ، ضرور است . زیرا بدون شناخت و قبول این اصول ، سخن از شناخت اصول سیاست خارجی و درک استراتژی سیاست خارجی ایران و در نتیجه تصور اتخاذ روشها و تاکتیک های سیاست خارجی ، مبتنی بر هدفها و مقاصد ملی هر جامعه ، بویژه ملت ایران ، سخنی است ناهنجار و بدون موضع گیری مناسب و شایسته .

اصول یاد شده عبارتند از:

۱ - ملت پدیده ای است تاریخی و اجتماعی ویژگیها و خصوصیات و عوامل تشکیل دهنده ی موجودیت هر ملت به مفهوم بسیط و تاریخی و اجتماعی آن، نه پدیده ی ذهن و تصور و نظرات قدرتهای خاص فردی و اجتماعی و نه زائیده توافق و تصمیمات سیاستهای بیگانه و قدرتهای جهانی است .

این خصوصیات و ویژگی ، بخصوص ناظر بر شناخت موجودیت معدود ملت های جهانی است که پشت سر خود زندگی و تاریخ هزارها ساله دارند برای شناخت روشهای ادامه حیات هر ملت، بمانند هر موجود دیگر ابتدا باید موجودیت آن ملت را شناخت ، تا بتوان بر اساس چنین شناختی ، روشهای ادامه حیات ملت را اعم از سیاست داخلی و یا سیاست خارجی برگزید .

پس ، شناخت موجودیت ملت بزرگ ایران ، با همه ی کلیت تاریخی و اجتماعی آن ، با همه ویژگیهای سرزمینی ، قومی ، فرهنگی و موقعیت خاص جغرافیائی سیاسی ، که ملت بزرگ ایران در آن قرار دارد ، شرط نخستین برای حکومت ملی ، هر حزب و گروه وابسته به ملت ایران و بالاخره برای هر عنصر آرمانخواه و روشن بین ایرانی میباشد تا بتوان بر اساس آن سیاستها و روش ادامه حیات ملت خود را ، چه در پهنه ی مسائل داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی دریابد .

۲- سیاست خارجی عبارت است از روابط خاص برون مرزی که از سوی مسنولان هرکشور و هرملت برای حفظ موجودیت تاریخی و اجتماعی، برای اعاده حقوق از دست رفته و بالاخره برای ایفای نقش ورسالتی که هرملت در برهه ای خاص از زمان دارد، با کشورهای دیگر و یا سازمانهای برون مرزی، اعم از سازمان های منطقه ای ویا بین المللی برقرار میگردد.

۳- سیاست خارجی که از سوی هر دولت اعمال میگردد، لامحاله

میبایست منبعث از شناخت کلی از موجودیت ملی و میزان باور آن دولت به حقوق ملی و بالاخره نحوه ی جهان بینی و درک رسالت و وظیفه ای باشد که آن دولت درمقطع خاص از تاریخ به نمایندگی ملتی که بدان وابسته است ایفای وظیفه و نقش مینماید.

بنابراین، دولت ها و نظامات حکومتی که فاقد این شناخت صریح و روشن و رسالت اندیشه ای و ایدئولوژیکی باشند، هرگز نخواهند توانست، سیاست خارجی مشخص و معطوف به هدفهای معین و گذشت ناپذیری را طرح ریزی و اعمال و اجرا نمایند.

۴- بیش از دویست سال گذشته، قدرتهای متجاوز و جهانخوار اعم از غرب و شرق، برای اجرای مقاصد استعماری خود، بویژه برای اعمال نظرات شوم و غارتگرانه و ضد انسانی خود دراین منطقه از جهان، در مسیر تجزیه و اسارت و ناتوان ساختن ملت بزرگ ایران بدان مفهوم تاریخی و اجتماعی کلی آن، اقدام نمودند. در نتیجه تاریخ دویست سال گذشته ایران، چیزی جز تاریخ تجزیه و پراکندگی اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر، جدائی سرزمینهای ایرانی نشین از یکدیگر، یورش و هجوم بفرهنگهای پرومند و انسانی اقوام ایرانی، غارت و چپاول منابع و ثروت ملت بزرگ ایران استقرار حکومتهای فاسد و نالایق و بدون شناخت از موجودیت تاریخی و اجتماعی ملت ایران، چه در سرزمین ما در "ایران کنونی" و چه در سرزمینهای تجزیه شده و دیگر، چیزی بیش نبوده است.

در ارتکاب این جنایتهای هول انگیز بیش از دویست سال بر ملت بزرگ ایران رفت، هینتهای حاکمه ورژیم های ضد ملی و غیر وابسته به ملت ایران، مباشرت آشکار و مسنولیتهای بی چون و چرا بعهدہ داشتند. آنچه بیش از دویست سال در مسیر تجزیه، اسارت و غارت ملت بزرگ ایران انجام گردیده، تنها تحمیل خونبارترین و سختترین نوع سیاستهای استعماری و ضد ملی بر ملت و میهن ما نبوده است، بلکه عملاً موجب گردیده تا شرائط مساعد، برای استیلای قدرتهای بیگانه و استعمارگر در سرتاسر این منطقه، در جهان اسلام و چه بسا با صراحت و قاطعیت میتوان در جهان سوم استعمار زده فراهم شده است.

۵- سیاستهای متجاوز و قدرتهای قدرتمند استعمارگر، برای اجرای مقاصد خود در جهت تجزیه ایران، پراکنده ساختن ملت بزرگ ایران، ایجاد شعله های نفاق و جدائی میان اقوام گوناگون جامعه ی بزرگ ایرانی، درهم کوبیدن پایه های فرهنگ فخیم و درخشان ملت ایران و بالاخره تحمیل اقتصادی وابسته و بیمار بر جامعه ی ایرانی، به استقرار سیاستهای بیمار و ضد ایرانی برپهنه ی زندگی داخلی ملت ایران نیاز داشتند. بدین سبب هریک از پدیده ها و تاسیسات اجتماعی را دچار استعمار زدگی و نوعی ضعف و بیماری نمودند. آرمانها و اندیشه های بارور و امید بخش ملی و اجتماعی را از جامعه بازستانند بجای آن، مشوق روشهای قبول اسارت و بردگی در هریک از محیط های اجتماعی و اداری شدند.

بدیهی است ملت ایران، برابر این توطئه های شوم سر تسلیم فرود نیاورد و جنبش و نهضت های عظیم ملت ایران همواره در طریق مبارزه با دسیسه های ایران بر باد ده، سیاستهای استعمارگر و مباشران حلقه بگوش آنها هیاتهای فاسد و نالایق و خائن حاکمه بوده است.

۶- هدف، نقشه و رسالت نهضت های رهانی بخش، برای هر ملت استعمار زده در هر کجای جهان و در هر مقطعی از تاریخ، جز این نمیتواند باشد که همه ی آثار و نتایج سیاستهای استعماری را ازپهنه ی زندگی ملت و سرزمین خود بزداید.

بهمین مناسبت است که چه در نظامات حقوق داخلی و خصوصی هر ملت و چه درپهنه ی روابط بین المللی و حقوق بین المللی بویژه در این زمان که اوج مبارزات ضد استعماری است و پیکارهای ملتهای ضد استعمار در بسیاری از موارد روابط و ضوابط استعماری دیرین را در صحنه ی مرا و دات بین المللی درهم شکسته است، اصل "اعاده وضع" یعنی برگشت به حالت و وضعیت سیاسی و جغرافیائی قبل از سلطه سیاستهای استعماری، برای هر ملت از بندرسته و برای هر نهضت و جنبش ضد استعمار از مهمترین اصول راهنما و توجیه کننده مبارزات ضد استعماری و ضد سلطه گران است.

بدیهی است، طی سالان اخیر بویژه پس از جنگ جهانی دوم که مبارزات ضد استعماری در سرزمینهای استعمار شده اوج گرفت از جمله تمهیدات جدید استعمارگران این بود که نگذارند در بسیاری از مناطق جهان جنبشهای ضد استعمار، از اصل رهنمون بخش "اعاده وضع" الهام گیرند.

در نتیجه، از جمله تمهیدات جدید سیاستهای استعمارگر، در سرزمینهای استعمار شده ای چون آفریقا، مناطق بسیاری از آسیا و آمریکای لاتین، ایجاد واحدهای سیاسی بر اساس همان روشهای اعمال شده استعماری قبلی بوده و این واحدها، بسبب نیروهای اندک انسانی نداشتن قدرتهای لازم

و خودکفانی اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی ، جزآنکه همچنان طعمه های سیاستهای استعمارگر باشند سرنوشتی دیگر ندارد.

درواقع ، قدرتهای استعمارگر جهانی ، با روش و چهره ای نو و ظاهر فریب اصل کهنه و دیرین استعماری "تفرقه انداز و حکومت کن" را در مناطق استعمارشده بمورد اجرا گذارده و میگذارند .

۷ - ملت بزرگ و هشیار ایران ، طی بیش از دو بیست سال گذشته ، همواره برای احقاق حقوق حقه خود ، برای احیای زندگی شایسته از دست رفته خود ، برای از هم گسیختن تمامی زنجیرهای بردگی و اسارت که استعمارگران بردست و پای او فرو بستند ، برای پایان دادن به هرگونه سیاست شوم و تحمیل شده

تجزیه و غارتگری و بالاخره معطوف به آرمان و هدف مقدس " اعاده وضع ملی به قبل از استیلای قدرتهای استعمارگر " مبارزات پیگیری داشته است . این مبارزات چه از نظر مقاطع زمانی ، چه از نظر گروههای اجتماعی و چه از نظر مناطق جغرافیایی هرگز محدود و محصور نبوده است . بیش از دو بیست سال است که ملت بزرگ ایران ، در تمامی " ایرانزمین " به انحاء گوناگون مبارزات و انقلابهای عظیم ضد استعماری را برای وصول به آزادی ، یگانگی و نیرومندی ملی و اجتماعی ادامه داده است .

۸ - نهضت عظیم ملت ایران ، انقلاب بزرگی که طی آن بیش از هفتاد هزار کشته داده شده است ، انقلابی که اکنون شاخه ها و نموده های دیگران در بسیاری از سرزمینهای ایرانی نشین مسلمان در این منطقه دنبال میگردد ، دست آورد همان جنبشها و انقلابهای گذشته ملت ایران را با خود دارد . آرمان و هدف اجتناب ناپذیر این انقلاب ، زدودن همه ی آثار سیاستهای استعماری ، از جمله پایان بخشیدن به تجزیه و پراکندگی سرزمینهای مسلمان ایرانی نشین میباشد .

رسالت و نقش تاریخی ملت بزرگ ایران ، پس از وصول به چنین یگانگی و وحدت به حق و انصراف ناپذیر ، یا ری و یاوری جنبشهای رهائی بخش جهان اسلام و مالا یاری و یاوری همه ی نهضت‌های ضد استعماری جهان سوم میباشد

بدون قبول و باور این هدف اجتناب ناپذیر و تاریخی انقلاب عظیم ملت ایران و بدون قبول و باور رسالت انقلاب عظیم جامعه ی ایرانی و ملت ایران ، پس از وصول به اتحاد و یگانگی بزرگ هرگز نخواهیم توانست سیاستهای ملت ایران را که استراتژی ادامه حیات ملی و وصول به آرمانهای ملی است صحیحاً دریابیم . از جمله آنکه بدون قبول و باور اصولی که بیان گردید ، هرگز نخواهیم توانست استراتژی سیاست خارجی ایران را معطوف به هدفهای تاریخی و اجتماعی جامعه ی بزرگ ایرانی درک کنیم .

۹ - برای هیچ ملتی اجرای سیاست خارجی ملی بودن اتکا بر یک زیربنای محکم و نیرومند ممکن نتواند بود . سیاست خارجی هرملت عبارت است ازخواست‌هایی که آن ملت ، درپهنه ی سیاست جهانی با قدرتهای حاکم بر روابط جهانی درمیان میگذارد .

سیاست خارجی ملت‌هایی که سالان متمادی استعمار شده اند ، سالهای پیاپی ، هستی و زندگی ، یگانگی سرزمینی و فرهنگی ، استقلال سیاسی و اقتصادی آنها مورد چپاول و غارت قرارگرفته است ، عبارت است از سخن و دعاوی بحقی که آنها علیه ظالمان و غارتگران جهانی مطرح مینمایند . چنین سخنانی تا از موضع قدرت ملی ، با اتکاء برنیروی عظیم ملی به میان گذارده نشود ، هرگز برکرسی پیروزی نخواهد نشست .

بنابراین ، ابتدا باید سخن بحق و دعاوی بحق را مطرح نمود ، اما شرط لازم برای اعاده حقوق از دست رفته ، شرط ضروری برای اعمال حقوق ملی در صحنه ی روابط بین المللی ، این است که با تکاء قدرت نیروی عظیم ملی ، دعاوی و سخنهای بحق ملت درمیان گذارده پس تلاش وسیع و سریع برای ایجاد ایرانی آباد ، یگانه و نیرومند از اهم نیازها و وظایف ملی ما است .

حکومت و دولت ، باید آن آرمانخواهی ، آن روشن بینی ، آن قدرت تحرک را داشته باشد که بتواند ، تمامی نیروهای کمی و کیفی جامعه ی بزرگ ایرانی را وحدت بخشد ، که بتواند از تمامی استعدادهای سرزمینی ، مادی و فرهنگی ملت بزرگ ایران و شاخه های قومی و فرهنگی وابسته به این ملت ، برای ایجاد نیروی عظیم و متحد بحق دراین منطقه بهره گیری نماید . انقلاب عظیم ملت ایران چنین موجباتی را فراهم ساخت . اما ، فسوفا که تا کنون بهره گیری لازم ازچنین انقلابی بعمل نیامده است بلکه ، بسبب بسیاری از ندانم کاریها و درمواردی اشتباهات بین و آشکار ، بریگانگی و نیروی ملی ، لطماتی چشم گیر وارد آمده است که هرگاه کوشش عاجل نگردد ، صدمات آن جبران ناپذیر خواهد بود و مسئولان برابر ملت ایران و تاریخ پاسخگو و مواخذ .

اکنون ، پس از بیان اصولی که خود متضمن توجیه نحوه ی تنظیم استراتژی سیاست خارجی و برداشت کلی از مفهوم ، نقش و هدف سیاست خارجی بود ، به بیان نظرات حزب پان ایرانیست پیرامون اهم مسائل ملی مربوط به سیاست خارجی ایران که لا محاله منبعث از موجودیت کلی جامعه ی ایرانی و اصول و روشهای ادامه زیست ملت بزرگ ایران میباشد ، مبادرت میگردد .

الف - دفاع از جنبشهای رهانی بخش سرزمینهای مسلمان ایرانی نشین

همانگونه که درمقدمه این بحث بیان گردید ، سیاستهای استعمارگر و جهانخوار طی بیش از دو بیست سال گذشته ، برای تجزیه ملت بزرگ ایران

وسرزمینهای مسلمان ایرانی نشین ، با مباشرت و همکاری هیاتهای حاکمه ای که هرگز وابسته به ملت ایران نبودند ، سرزمین ایرانیان و قوم ایرانی را دچار تجزیه های تحمیلی نمودند .

دربرخی از موارد ، اجرای این سیاستهای استعماری تجزیه ، براساس انعقاد قراردادهایی با هیاتهای حاکمه و جبار ، ستمگری بوده است که هرگز قول و قرار و امضاء آنان نمیتواند به نمایندگی از طرف ملت ایران باشد و در نتیجه فاقد هرگونه اثر معتبر حقوقی و ملی و اجتماعی است . مضافاً برآنکه اصولاً توافق هائی که بر اثر یورشهای نظامی و اعمال سیاستهای جابرانه استعماری و اشغالگرانه باشد فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است .

طی بیش از دو بیست سال گذشته تا کنون ، تمامی اقوام و تیره های وابسته به ملت بزرگ ایران چه در سرزمین "مادر" و چه در مناطق گوناگون دیگر ، هرگز برابر این تجزیه ها و پراکندگی ها و سیاستهای استعماری و حکومتی دست نشانده آنان خاموش ننشستند .

مبارزات ضد استعماری و آزادی بخش تمامی تیره ها و اقوام وابسته به ملت بزرگ ایران ، جنبشهای رهائی بخش تمامی سرزمینهای مسلمان ایرانی نشین ، طی سالهای متمادی ادامه داشت .

از دورترین مناطق غرب " ایران زمین " ، سرزمین کردهای دلیر گرفته تا دورترین مناطق شرق سرزمین افغانستان ، از شمالی ترین مناطق سرزمینهای ایرانی نشین گرفته ، تا دورترین مناطق خلیج فارس ، همواره مبارزات ضد استعماری و آزادی بخش ادامه داشت .

اکنون این نهضتها ابعاد وسیعی یافته است . این مبارزات بحق ، برای اعاده وضع قبل از استیلای قدرتهای استعماری است از مهمترین هدفهای سیاست خارجی ملت ایران ، باید حمایت و یاری صریح و آشکار اینگونه جنبشهای رهائی بخش سرزمینهای مسلمان ایرانی نشین باشد .

ب - اعلام بطلان و کان لم یکن بودن کلیه قراردادهای تحمیلی استعماری

سیاستهای متجاوز و استعمارگر با مباشرت هیئتهای حاکمه دست نشانده به انعقاد یک سلسله قراردادهای تحمیلی که هدف آن ، تجزیه سرزمینی و قومی ، اسارت اقتصادی و نظامی ، چپاول منابع ملت ایران و بالاخره سلب حقوق حاکمیت ملت ایران ، در زمینه های گوناگون بوده است ، مبادرت نموده اند .

چنین قراردادهای و مقاوله نامه ها و توافق نامه هائی ، سبب آنکه تمامی آنها معارض با حاکمیت ملی ایران ، معارض با خواست ملت ایران و ممضی با مضای هیئتهای حاکمه ای است که منتسب به ملت ایران نبوده است از درجه اعتبار ساقط است .

هر حکومت و نیروی وابسته به ملت ایران ، باید در مسیر اعلام بطلان و کان لم یکن بودن این قراردادهای ظالمانه استعمارگران حرکت نماید .

پ - اعمال حق حاکمیت ملی ایران بر جزایر بحرین از جمله وظائف بی چون و چرای هردولت ملی و در نتیجه از جمله مهمترین و اساسی ترین وظایف سیاست خارجی ملی ایران اعمال حق حاکمیت ملت ایران بر جزایر بحرین میباشد .

جزایر بحرین طی هزار سال ، از زمانهای ناشناخته تاریخ که ملیت ایرانی در این منطقه از جهان شکل گرفت و میهن ایرانیان مشخص گردید ، جزو لایتجزای میهن ایرانیان بوده و هست .

گذشته از آنکه هیچگونه قرارداد و مقاوله و توافق نامه فرضی نمیتواند حق حاکمیت ملی را تجزیه و سلب نماید اصولاً آنچه بنام توطئه شوم تجزیه بحرین در سال ۱۳۴۹ بوسیله حکومت خائن وقت انجام گردید از هیچ یک از جهات موجه قانونی ، چه از نظر حقوق بین الملل و چه از نظر حقوق داخلی ایران برخوردار نیست ، زیرا :

۱ - بموجب محتوای کلی مقررات منشور ملل متحد و نیز سنت روشهای بین المللی که از جمله مبادی و اصول حقوق بین الملل میباشد ، برای آنکه اراده مردم یک منطقه را نسبت به تعیین نحوه ی حکومت و یا قبول زندگی سیاسی سابق و یا قبول استقلال مشخص نمایند ، باید اولاً از حکومت غاصب سابق خلع ید نمایند و آنگاه پس از مدتی به همه پرسسی (رفراندوم) مبادرت نمایند . در مورد مجمع الجزایر بحرین ، حسب سوابق و پرونده های موجود در وزارت خارجه و سازمان ملل متحد ، هیچیک از این اقدامات انجام نگردید .

نه ابتدا از حکومت جابرو وابسته به استعمار انگلیس خلع ید گردید و نه آنکه هیچگونه همه پرسسی در جزایر بحرین صورت گرفته است تا خواست و اراده ی مردم بحرین مشخص گردد .

۲ - از نظر حقوق داخلی نیز بموجب اصول قانون اساسی وقت هرگونه تغییری در حدو دوتنور مملکت باید بموجب قانون باشد که هرگز برای احاله امر به شورای امنیت سازمان ملل و یا برای قبول گزارش خاننانه شورای امنیت و حکومت خائن وقت ، بعنوان تمایل مردم بحرین برای جدائی از ایران هیچگونه قانونی نگذشته است کما اینکه هرگز در مجموعه قوانین ، قانونی برای جدائی بحرین نداریم و در نظامات حقوقی و قانونی ایران ، چیزی بنام مصوبه مجلسین وجود نداشته است .

۳- گذشته از دلایل مزبور ، باتوجه به شرایط وقت و بویژه با توجه به مفاد استیضاح تاریخی نمایندگان پان ایرانیست ، رای اکثریت نمایندگان دوره

بیست و دوم مشروطیت براساس تهدید و ارباب بوده است که فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است .

۴- بموجب مصوبه شورای انقلاب ، مجلس بیست و دوم و مجلس سنای وقت نیز غیر قانونی بوده و در نتیجه چنین مصوبه غیر قانونی مجالس مزبور اصولاً فاقد هرگونه اعتبار و ارزش فرضی است . بنا بر مراتب یاد شده دربالا، توطئه جدائی بحرین فاقد هرگونه وجهت و اعتبار قانونی است و حاکمیت و مالکیت ملت ایران بر جزایر بحرین ، بالقوه و حتی طبق مقررات و موازین حقوقی کنونی و از نظر حقوق بین الملل مسلم است و از اهم این حق حاکمیت بالقوه ی بحق ، حاکمیت بالفعل میباشد که هرگونه تاخیری در اعمال این حق حاکمیت ملت ایران، تعلق در انجام یک وظیفه مسلم ملی است .

ت - مبارزه با هرگونه سیاست بیگانه و غیره وابسته به کشورهای ساحلی خلیج فارس

خلیج فارس شاهرگ حیاتی ملت ایران است . تاریخ هزارها سال گذشته دلالت دارد ، هرزمان که هر قدرت استعماری و بیگانه بر خلیج فارس تسلط یافته ، نه تنها استقلال و حاکمیت ملت ایران مورد تجاوز و تعدی بوده ، بلکه تمامی سرزمینهای اطراف خلیج فارس و تمامی این منطقه مورد یورشها و تجاوزات استعماری قرار گرفته است . هرگونه اقدام برای تغییر هویت تاریخی خلیج فارس و هرگونه اقدام و تعلق که موجب گردد ، قدرتهای استعمارگر و بیگانه بر خلیج فارس مسلط گردند ، نه تنها تهدیدی است آشکار نسبت به استقلال و موجودیت ملت ایران ، بلکه تهدیدی است انصراف ناپذیر نسبت به تمامی این منطقه از جهان .

بطور قطع از اهم هدفهای سیاست خارجی ایران ، می بایست قطع هرگونه نفوذ بیگانه در خلیج فارس و حفظ و صیانت خلیج فارس بوسیله ملت ایران و دیگر ساحل نشینان این خلیج باشد .

هرگز نباید مفهوم " ژاندرام " بودن خلیج فارس را که مفهومی نامشخص است با مفهوم انصراف از صیانت و حفاظت خلیج فارس اشتباه نمود ، زیرا قبول چنین مفهومی جز این نتیجه ای ندارد که خلیج فارس جولانگاه قدرتهای استعماری و بیگانه گردد که بطور قطع در چنین شرایطی استقلال ارضی و سیاسی و قومی و فرهنگی ما و دیگر مردم این منطقه مورد تهدید و مخاطره قطعی خواهد بود .

ث - دفاع از تیره های قومی ، مذهبی و فرهنگی وابسته به ملت

ایران

آنچه را ما بنام تاریخی و اجتماعی ملت ایران می شناسیم ، مانند هر ملت تاریخی دیگر ، محدود و محصور به مرزهای جغرافیایی نمیگردد . در پهنه جهان میلیونها مردم هستند که از جهات گوناگون چه از جهات قومی و چه از جهت مذهبی و یا از جهات فرهنگی با ملت بزرگ ایران پیوند دارند . ملت ایران ، بخصوص در دوران انقلاب عظیم خود نمیتواند نسبت به سرنوشت و حقوق انسانی آنان بی اعتنا باشد .

از مهمترین این تیره ها کردها و شیعیان میباشند - این گروهها ده ها سال است به گناه پیوند و همبستگی با ملت ایران ، در سخت ترین هول انگیزترین و خونین ترین یورشها و تجاوزات ضد انسانی استعمارگران و دست نشانندگان آنها قرار دارند .

بطور قطع ، سیاست خارجی ایران ، با الهام از وظیفه اجتناب ناپذیر ملت ایران و بموجب میثاقها و قراردادهای بین المللی باید به دفاع صریح و قاطع از حقوق کردها ، شیعیان و دیگر وابستگان بملت ایران برخیزد .

ج - دفاع از جنبشهای رهائی بخش جهان اسلام و مردم استعمار شده

جهان سوم

انقلاب عظیم ملت ایران ، باید بعنوان اهرمی نیرومند برای یاری و یاورى همه ی جنبشهای آزادگی بخش جهان اسلام و سپس بعنوان عامل موثر حمایت کننده از جنبشهای ضد استعمار و آزادگی بخش ملت های استعمار شده جهان سوم باشد .

بطور قطع تمامی کسانی که برابر ملت ایران و انقلاب عظیم جامعه ی ایرانی ، در سطوح مختلف مسئولیت هائی بعهده دارند ، باید در مورد کارآئی و ثمر بخشی انقلاب از چنین دیدگاهی مسائل را بررسی نمایند .

رزم عظیم ملت ایران ، تنها نبرد برای وصول به آزادگی ملی و رهائی همه ی سرزمینهای مسلمان ایرانی نشین نمیباشد ، بلکه نبردی است عظیم - جنبشی است گسترده و فخیم ، برای یاری و یاورى به همه ی ملت های استعمار شده جهان . این است آن رسالت بزرگی که انقلاب عظیم ایران و ملت ایران بعهده دارد .